

هشدارهای موازی - شماره یک

دہن دہوپ یرادربخ یتسورود ہراپد رشب د: ہفشاکم حیسم عوسی۔

Jeff Pippenger

2023-08-08

«مکاشفہ عیسیٰ مسیح» برای قوم خدا ہنگامی گشودہ می شود کہ «وقت نزدیک است»۔ آخرین پیام ہشدار برای بشریت درست پیش از پایان مہلت آزمایش انسان دادہ می شود، و آن پیام نہایی در چندین خط نبوتی در کتاب مقدس بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ در مکاشفہ چہارہ، آن پیام نہایی ہشدار بہ وسیلہ سہ فرشتہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔

و فرشتہ ای دیگر را دیدم کہ در میانہ آسمان پرواز می کرد و انجیل جاودانی را داشت تا آن را بہ ساکنان زمین، و بہ ہر امت و قبیلہ و زبان و قوم بشارت دہد، و بہ آواز بلند می گفت: از خدا بترسید و او را جلال دہید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیدہ است؛ و او را کہ آسمان و زمین و دریا و چشمہ های آب را آفرید، پرستش کنید۔

اور اُس کے پیچھے ایک اور فرشتہ آیا، جو کہتا تھا: بابل، وہ بڑا شہر، گر گیا، گر گیا، کیونکہ اُس نے اپنی زناکاری کے غضب آلود مے سے سب قوموں کو پلایا۔

اور تیسرے فرشتے نے اُن کے پیچھے آ کر بلند آواز سے کہا، اگر کوئی شخص اُس حیوان اور اُس کے بُت کی پرستش کرے، اور اُس کی چھاپ اپنے ماتھے یا اپنے ہاتھ پر لے، تو وہ بھی خدا کے غضب کی اُس مے میں سے پیئے گا جو اُس کے قہر کے پیالے میں بے آمیزش انڈیلی گئی ہے؛ اور وہ مقدس فرشتوں کے سامنے اور برہ کے سامنے آگ اور گندھک میں عذاب دیا جائے گا۔ اور اُن کے عذاب کا دھواں ابدالآباد اُٹھتا رہے گا؛ اور جو اُس حیوان اور اُس کے بُت کی پرستش کرتے ہیں، اور جو کوئی اُس کے نام کی چھاپ لیتا ہے، انہیں رات دن آرام نہ ملے گا۔ یہیں مقدسوں کے صبر کا مقام ہے: یہ وہ ہیں جو خدا کے حکموں پر عمل کرتے ہیں اور یسوع پر ایمان رکھتے ہیں۔ مکاشفہ 6:14-12۔

در فصل ہجدهم مکاشفہ، ہمیں پیام سقوط بابل را اعلام می کند۔

اور ان باتوں کے بعد میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جسے بڑا اختیار حاصل تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے بڑی قوت کے ساتھ بلند آواز سے پکار کر کہا: بڑا بابل گر گیا، گر گیا، اور وہ بدروحوں کا مسکن، اور ہر ناپاک روح کی پناہ گاہ، اور ہر ناپاک اور مکروہ پرندے کا پنجرہ بن گیا ہے۔ کیونکہ تمام قوموں نے اُس کی زنا کے غضب آلود مے میں سے پیایا ہے، اور زمین کے بادشاہوں نے اُس کے ساتھ زنا کیا ہے، اور زمین کے سوداگر اُس کی عیش و عشرت کی فراوانی سے مالدار ہو گئے ہیں۔ اور میں نے آسمان سے ایک اور آواز سنی جو کہہ رہی تھی: اے میرے لوگو، اُس میں سے نکل آؤ، تاکہ تم اُس کے گناہوں میں شریک نہ ہو، اور اُس کی آفتوں میں سے کچھ تم پر نہ آئے۔ کیونکہ اُس کے گناہ آسمان تک پہنچ گئے ہیں، اور خدا نے اُس کی بدکرداریوں کو یاد کیا ہے۔ مکاشفہ 18:1-5۔

خط نبوتی تاریخ، یا می توان گفت توالی رویدادہایی کہ بہ وسیلہ آن فرشتہ ای کہ در باب ہجده زمین را با جلال خود روشن می سازد بہ تصویر کشیدہ شدہ است، بیانگر وقایعی است کہ بہ پایان داوری، پایان مہلت آزمایش، و ہفت بلای آخر منتهی می شود۔ تاریخ نبوتی ای کہ در باب ہجده بہ تصویر درآمدہ است، بہ صورت «موازی» با خط تاریخ نبوتی ای جریان دارد کہ بہ وسیلہ سہ فرشتہ باب چہارہ نمایش دادہ شدہ است۔

«خدا پیام‌های مکاشفه ۱۴ را در جایگاه خود در سلسله نبوت قرار داده است، و کار آن‌ها نباید تا پایان تاریخ این زمین متوقف گردد. پیام‌های فرشته اول و دوم هنوز برای این زمان حقیقت هستند، و باید به موازات پیامی که در پی می‌آید پیش روند. فرشته سوم هشدار خود را با آواز بلند اعلام می‌کند. یوحنا گفت: "بعد از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد و قدرت عظیمی داشت، و زمین از جلال او روشن گردید." در این روشنایی، نور هر سه پیام با یکدیگر متحد است.» The 1888 Materials, 803, 804.

سه فرشته باب چهاردهم که در میان آسمان پرواز می‌کنند، نماد پیامی جهانی است که با نشان وحش و پایان زمان فرصت فیض به اوج خود می‌رسد. در باب هجدهم، تمام زمین از جلال آن فرشته روشن می‌گردد؛ فرشته‌ای که پیام او نیز با پایان زمان فرصت فیض خاتمه می‌یابد.

پیامی که در باب چهاردهم به طور نمادین به وسیله سه فرشته ارائه شده است، و نیز به وسیله فرشته‌ای که در باب هجدهم فرود می‌آید به تصویر کشیده شده، دو نمود از یک پیام هشدار واحد هستند. در کتاب مقدس هیچ چیز زائدی وجود ندارد، هیچ چیز بیهوده نیست. این واقعیت که همان پیام دقیقاً بیش از یک بار به وسیله یوحنا مشخص شده است، تأکیدی بر اهمیت آن پیام است و روش الهی تعلیم را به نمایش می‌گذارد؛ روشی که یک قاعده کتاب مقدسی است و «تکرار و بسط» نامیده می‌شود. کنار هم نهادن دو خط از تاریخ نبوی، حقایقی را آشکار می‌سازد که در هیچ‌یک از آن دو خط، هنگامی که جدا از خط دیگر در نظر گرفته شوند، شناخته نمی‌شوند. امروزه اگر دو شاهد یک رویداد واحد را برای ادای شهادت به دادگاه بیاورید، چه بسا بر پایه ایدئولوژی سیاسی یا اجتماعی خود، گزارش‌هایی متضاد ارائه دهند. اما در مورد شاهدان کتاب مقدس چنین نیست؛ آنان همواره با یکدیگر توافق دارند، و اگر به نظر شما می‌رسد که توافق ندارند، در این صورت شما چیزی را به نادرستی می‌نگرید.

دو تصویری که در حال بررسی آن‌ها هستیم، همان پیام واحد هشدار است که کتاب ملاکی آن را به صورت بازگشت ایلیا نبی به تصویر می‌کشد. هر سه این پیام‌ها پیش از بسته شدن زمان آزمایش فرا می‌رسند—زیرا پیام هشدار مندرج در هر سه خط نبوت، صرفاً پیشاپیش بسته شدن زمان آزمایش داده نشده است، بلکه بسته شدن زمان آزمایش خود همان نقطه ارجاع، و اگر بخواهید موضوع هر یک از آن پیام‌های هشدار است. در واقع، اگر هر پیام هشدار به وسیله هر نبی‌ای اعلام یا به تصویر کشیده شود، همان هشدار مکاشفه چهارده، هجده، و نبوت ایلیای ملاکی است.

این سه خط نبوت را به آسانی می‌توان نشان داد که به موازات یکدیگر جریان دارند. با این حال، در نبوت کتاب مقدسی دو منبع اصلی اطلاعات وجود دارد. یکی، شناسایی توالی رویدادهایی است که در پایان جهان رخ می‌گشایند. منبع دیگر اطلاعات، ترسیم فعالیت‌های انبیا است که با پیامی مرتبط است که رویدادهای آینده را ترسیم می‌کند.

در ارتباط با این مفاهیم، دو قاعده شایان تأمل است. نخست آن‌که همه انبیا درباره پایان جهان سخن می‌گویند؛ همان‌جا که مهلت آزمایش به پایان می‌رسد.

«هر یک از انبیای باستان، کمتر برای زمان خویش سخن گفتند تا برای زمان ما؛ از این رو نبوت ایشان برای ما نافذ و جاری است.» و این همه بر ایشان واقع شد تا نمونه‌ها باشد؛ و برای تنبیه ما مکتوب گردید، که انتهای عالم‌ها بر ما رسیده است.» 1 Corinthians 10:11. «نه برای خود، بلکه برای ما به آن اموری خدمت می‌کردند که اکنون به شما خبر داده شده است به وسیله آنان که انجیل را برای شما موعظه کردند، به روح القدس که از آسمان فرستاده شد؛ اموری که فرشتگان آرزومند نگرستن در آن‌ها هستند.» 1 Peter 1:12....»

«کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر اندوخته و با هم پیوسته است. همه رویدادهای عظیم و معاملات خطیر تاریخ عهد عتیق، در این ایام آخر، در کلیسا تکرار شده‌اند و در حال تکرار شدن هستند.» Selected Messages, book 3, 338, 339.

همه پیام‌های نبوی کتاب مقدس «برای ما نافذ است»، «ما که پایان‌های جهان بر ما رسیده است». این قاعده، همراه با قاعده‌ای دیگر که «امور»ی را که روح‌القدس «صورت داده است»، «هم در اعطای نبوت و» نیز «در وقایع به تصویر کشیده شده» شناسایی می‌کند، بر این ادعا قوت می‌بخشد که رویدادهای نبوی در آغاز یک نبوت، نمونه و هم‌مواز رویدادهای نبوی در پایان هر نبوت معین هستند.

«نیاز به مطالعه‌ای بسیار نزدیک‌تر کلام خدا وجود دارد؛ و به‌ویژه دانیال و مکاشفه باید توجهی بی‌سابقه در تاریخ کار ما دریافت کنند. ممکن است در برخی زمینه‌ها، درباره قدرت روم و پاپیت، سخن کمتری برای گفتن داشته باشیم؛ اما باید توجه را به آنچه انبیا و رسولان تحت الهام روح‌القدس خدا نوشته‌اند، معطوف سازیم. روح‌القدس امور را، هم در اعطای نبوت و هم در رویدادهای به‌تصویر کشیده شده، چنان سامان داده است که پیام‌زاند عامل انسانی باید از نظر پنهان نگاه داشته شود، در مسیح مستور گردد، و این‌که یهوه خدای آسمان و شریعت او باید متعال و سرافراز گردند. کتاب دانیال را بخوانید. تاریخ پادشاهی‌هایی را که در آنجا به تصویر درآمده‌اند، نکته‌به‌نکته بازخوانید.» Testimonies to Ministers, 112.

«روح‌القدس امور را، هم در اعطای نبوت و هم در وقایع به‌تصویر کشیده شده، چنین شکل داده است.» در «اعطای نبوت و در وقایع به‌تصویر کشیده شده»، «امور» به‌وسیله «روح‌القدس» چنین شکل داده شده‌اند که هم «اعطای نبوت» و هم «وقایع به‌تصویر کشیده شده» باید الهام‌شده شناخته شوند و بر تمثیل نبوی پایان جهان تطبیق داده شوند.

یوحنا این نبوت را از جبرائیل دریافت کرد و به او گفته شد که آن را در کتابی بنویسد و به کلیساها بفرستد. سپس او از سوی روم مورد آزار و جفا قرار گرفت؛ او به گونه‌ای به تبعید فرستاده شد که با آنچه امروز در جهان «بازداشتگاه سیاه» خوانده می‌شود، قابل مقایسه بود. در آن مقطع از تاریخ، یوحنا به همان اندازه از جامعه بشری منزوی بود که هر زندانی در خلیج گوانتانامو.

یوحنا تصریح می‌کند که این رؤیا هنگامی به او مکشوف شد که در روز سبت روز هفتم، که روز خداوند است، در حال پرستش بود.

زیرا پسر انسان حتی مالک روز سبت نیز هست. متی ۸: ۱۲.

در حالی که در روح عبادت می‌کرد، صدایی عظیم از پشت سر خود شنید.

من یوحنا، که برادر شما و شریک در مصیبت و در پادشاهی و صبر عیسی مسیح نیز هستم، در جزیره‌ای بودم که پطمس نامیده می‌شود، به‌خاطر کلام خدا و به‌خاطر شهادت عیسی مسیح. در روز خداوند در روح بودم، و از پشت سر خود آوازی بلند، همچون صدای شیپور، شنیدم که می‌گفت: من الف و یا، اول و آخر هستم؛ و آنچه می‌بینی، در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند بفرست: به افسس، و به اسمیرنا، و به پرغامس، و به طیاتیرا، و به ساردس، و به فیلادلفیه، و به لائودکیه. مکاشفه ۱: ۹-۱۱

के दनि-सातवे जो है करती प्रकट में रूप के व्यक्ति ऐसे उसे परस्थितियाँ वर्णति और परविश उसका, यूहन्ना और बाइबल वे कह रहे जा सताया भी कारण इस वह परन्तु, है रहा जा सताया कारण के होने उपासक का सबूत शब्द बड़ा एक पीछे अपने वह है। करते विश्वास पर दोनों—हैं” गवाही की यीशु “जो—रचनाओं की व्हाइट एलेन एडवेटिस्ट के दनि-सातवे एक में अनूत के संसार वह हुए करते ऐसा और, है मुड़ता वह लयि के देखने जसी, है सुनता “चलो। में इसी, है मार्ग यही, “हैं सुनते वाणी एक हुए कहते यह से पीछे अपने जो, है करता प्रतनिधित्व का

تمام خطوط نبوت در پایان جهان با یکدیگر موازی اند.

«در مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند.» اعمال رسولان، ۵۸۵.

هر نبی‌ای که آوازی را از پشت سر خود می‌شنود، با یوحنا در تصویر قوم خدا در پایان جهان هم‌سو است. یوحنا آوازی را از پشت سر خود شنید که به او دستورالعمل می‌داد. اشعیا نیز آوای هدایت و تعلیم را شنید.

لَهْذا خداوند انتظار کرے گا تاکہ وہ تم پر فضل کرے، اور اسی لیے وہ سرافراز ہوگا تاکہ تم پر رحم کرے؛ کیونکہ خداوند انصاف کا خدا ہے۔ مبارک ہیں وہ سب جو اُس کا انتظار کرتے ہیں۔

زیرا قوم در صهیون، در اورشلیم، ساکن خواهند شد؛ دیگر هرگز نخواهی گریست. او به آواز فریاد تو بسیار کریم خواهد بود؛ چون آن را بشنود، تو را اجابت خواهد فرمود. و اگرچه خداوند به شما نان تنگی و آب مصیبت دهد، با این همه، معلمان دیگر پنهان نخواهند شد، بلکه چشمانت معلمان را خواهند دید. و گوش‌هایت سخنی را از پشت سر خود خواهد شنید که می‌گوید: «این است راه، در آن گام بردارید»، هنگامی که به راست می‌گردید و هنگامی که به چپ. اشعیا 21:30-18.

قوم بقیه خدا اپنے پیچھے سے ایک آواز سنتی ہے جو یہ واضح کرتی ہے کہ انہیں کس راہ پر چلنا چاہیے۔ پھر انہیں فیصلہ کرنا ہوتا ہے کہ آیا وہ سنیں گے یا نہیں سنیں گے۔ یوحنا اور یسعیاہ کے ذریعہ جن لوگوں کی نمائندگی کی گئی ہے، وہ دنیا کے آخر کے لوگ ہیں جو خداوند کا انتظار کرتے ہیں جب وہ تاخیر کرتا ہے، اور یسعیاہ ہمیں آگاہ کرتا ہے کہ وہ اس لیے تاخیر کرتا ہے کیونکہ وہ انصاف کا خدا ہے۔ میلری تاریخ کے آغاز 1798 سے لے کر اتوار کے قانون کے وقت ایڈونٹ ازم کے لیے مہلت آزمائش کے اختتام تک، خدا آسمانی مقدس میں عدالت کے کام کو انجام دے رہا ہے۔ وعدہ یہ ہے کہ جو لوگ عدالت کے زمانہ میں خداوند کا انتظار کرتے ہیں وہ مبارک ٹھہریں گے۔

قوم خدا کہ بہ سبب انتظار کشیدن مبارک شمرده می‌شوند، در مثل ده باکره به وسیله آن باکرگانی نمایانده شده‌اند کہ در انتظار دامادند. هر ده تن به خواب رفتند، و سپس در نیمه شب بحرانی پدید می‌آید کہ باکرگان خفته را به دو دسته جدا می‌سازد. یک دسته صدایی را از پشت سر خود شنیده بودند و بازگشته بودند تا آن صدا را کہ ایشان را درباره راهی کہ باید در پیش گیرند هدایت می‌کرد، ببینند؛ و دسته دیگر از بازگشتن و شنیدن آن صدا سر باز زدند—با وجود این واقعیت کہ پیامی کہ در سراسر کتاب مکاشفه جاری است این است: «هر کہ گوش دارد، بشنود کہ روح به کلیساها چه می‌گوید.»

«مثل ده باکره در متی ۲۵ نیز تجربه قوم آدونتیست را به تصویر می‌کشد.» نبرد عظیم، ۳۹۳.

یوحنا نمایانگر قوم آدونتیست است کہ برای فهم آینده، به گذشته بازمی‌گردند. هنگامی کہ آنان، همان‌گونه کہ یوحنا چنین کرد، «سخنی از پشت سر» خود می‌شنوند، آن سخن همچنین شامل تعلیمی است کہ در شهادت اشعیا درباره همین واقعه آمده است. تعلیم اشعیا این بود: «این است راه؛ در آن سلوک نمایید، هنگامی کہ به جانب راست می‌گردید و هنگامی کہ به جانب چپ می‌گردید.» باکره‌های حکیم در دانیال دوازده، افزایش معرفت را در پایان جهان درمی‌یابند، زیرا در کلام «به این سو و آن سو» رفته بودند تا معرفت حیات‌بخشی را کہ مهر آن گشوده شده بود، بفهمند.

اما تو، ای دانیال، این سخنان را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن؛ بسیاری به هر سو رفت‌وآمد خواهند کرد و معرفت افزون خواهد شد. دانیال ۱۲:۴.

پیامبرانی که اکنون مورد بررسی ما هستند، نمایندهٔ آدونتیست‌های روز هفتم در آن مقطع از تاریخ‌اند که در آن دآوری به پایان می‌رسد و زمان آزمایش خاتمه می‌یابد. کسانی که به‌صورت باکره‌های دانا به تصویر کشیده شده‌اند، صدایی را از پشت سر خود می‌شنوند که می‌گوید: این است راه، در آن سلوک کنید؛ و او وعده می‌دهد که هنگامی که به چپ یا به راست می‌گردند، ایشان را در این مسیر هدایت کند. «از این سو به آن سو رفتن»، آن‌گونه که باکره‌های دانا هنگام گشوده شدن کتاب انجام می‌دهند، نمادی از مطالعهٔ کتاب مقدس است. طبیعت به ما می‌آموزد که برای دویدن، نخست باید راه رفتن را بیاموزید، و شهادت اشعیا می‌گوید که اگر به صدای پشت سر خود گوش فرا دهید، او شما را در مطالعهٔ کلام خویش هدایت خواهد کرد، خواه به عهد عتیق (چپ) روی آورید، خواه به عهد جدید (راست). کتاب مقدس را بگشایید، و او به‌واسطهٔ صدای خود شما را هدایت خواهد کرد. اما برای آدونتیست‌های روز هفتم در پایان جهان، این همچنین بدین معناست که او شما را هدایت خواهد کرد، هم هنگامی که کتاب مقدس را می‌گشایید (چپ)، و هم هنگامی که روح نبوت را می‌گشایید (راست). وقتی شهادت ارمیا نیز افزوده شود، راه سلوک از این هم مشخص‌تر می‌گردد.

خداوند چنین می‌فرماید: «بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از طریق‌های قدیم برسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید؛ و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» همچنین دیدبانانی بر شما گماشتم که گفتند: «به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش فرا نخواهیم داد.»

پس ای امت‌ها، بشنوید؛ و ای جماعت، بدانید آنچه را که در میان ایشان است. ای زمین، بشنو: اینک من بلا را بر این قوم خواهم آورد، یعنی حاصل اندیشه‌های ایشان را، زیرا که به سخنان من گوش فرانداشته‌اند، و نه به شریعت من، بلکه آن را رد کرده‌اند. ارمیا ۱۶:۱۹-۱۹

در این بخش دو دسته از عبادت‌کنندگان وجود دارند. یک گروه همهٔ «راه‌ها» را در نظر می‌گیرند و برمی‌گزینند که در «طریق‌های کهن» سلوک کنند. آنان قادر بودند «راه نیکو» را از میان همهٔ «راه‌های» ممکن برگزینند، زیرا از جملهٔ کسانی هستند که به آن آواز از پشت سر خود گوش فرا دادند، و آن آواز ایشان را آگاه ساخت: «این است راه، در آن سلوک نمایید.» یوحنا نمایندهٔ کسانی است که آن آواز را از پشت سر می‌شنوند، آوازی از «طریق‌های کهن».

«خداوند چنین می‌فرماید: بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از طریق‌های قدیم برسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید.» ارمیا ۱۶:۶.

«مبادا کسی در پی آن باشد که بنیان‌های ایمان ما را برکند—بنیان‌هایی که در آغاز کار ما، به‌واسطهٔ مطالعهٔ دعاآمیژ کلام و به‌وسیلهٔ مکاشفه، نهاده شد. بر این بنیان‌ها ما در طی پنجاه سال گذشته بنا کرده‌ایم. ممکن است مردمان گمان کنند که راهی تازه یافته‌اند و می‌توانند بنیانی استوارتر از آنچه نهاده شده است، بگذارند. اما این فریبی عظیم است. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی دیگر جز آنچه نهاده شده است، بگذارد.»

در گذشته بسیاری به برپا ساختن ایمانی نو و استقرار اصولی تازه دست یازیدند. اما بنای آنان تا چه مدت پابرجا ماند؟ به‌زودی فرو ریخت، زیرا بر صخره استوار نشده بود.

«آیا نخستین شاگردان نیز ناچار نبودند با گفته‌های انسان‌ها روبه‌رو شوند؟ آیا آنان مجبور نبودند به نظریه‌های باطل گوش فرا دهند و سپس، پس از آنکه همه کار را به انجام رساندند، استوار بایستند و بگویند: «زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است، بگذارد؟» اول قرن‌تین 3:11»

«پس ما باید آغاز اطمینان خود را تا به انتها استوار نگاه داریم. سخنان قدرت از سوی خدا و از سوی مسیح برای این قوم فرستاده شده است تا ایشان را، نکته به نکته، از جهان بیرون آورده، به روشنایی واضح حقیقت حاضر داخل سازد. خادمان خدا با لب‌هایی که به آتش مقدس لمس شده بود، این پیام را اعلام کرده‌اند. کلام الهی مهر خود را بر اصالت حقیقت اعلام شده نهاده است.»
شهادت‌ها، جلد ۸، صص. ۲۹۶، ۲۹۷.

اما در سلسلهٔ ارمیا، گروه دیگری نیز وجود دارد و آن «جماعتی» که او آنان را چنین معرفی می‌کند، خانه‌ای بنا کرده‌اند که نمایانگر ایمانی جدید است، و آن خانه فرو می‌ریزد، زیرا بر صخره بنا نشده بود. آن خانه، کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم است، یا چنان‌که یوحنا همان کلیسا را معرفی می‌کند—کنیسهٔ شیطان.

نپذیرفتن شنیدن، به منزلهٔ رد کردن «سخنان» او و «شریعت» اوست. به سبب سرکشی ایشان در بازنگشتن و سالک نشدن در طریق‌های کهن، و نیز به سبب امتناعشان از شنیدن پیام کرنا از دیده‌بان، خداوند شر را بر قومی خواهد آورد که ارمیا آن را «جماعتی شریر» می‌نامد. چگونگی رفتار خدا با کلیسای لائودیکیه در میان ادونتیست‌های روز هفتم، موضوعی از نبوت کتاب مقدس است. نبی، هوشع، نیز هنگامی که درباره سبب مردود شدن ایشان سخن می‌گوید، بر ویژگی‌های «جماعت شریر» می‌افزاید.

قوم من به سبب نبود معرفت هلاک می‌شوند؛ زیرا تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا دیگر برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

آنان به سبب نداشتن معرفت مردود می‌شوند؛ معرفتی که نمایانگر پیامی است که در زمان آخر گشوده می‌شود. خدا در اینجا در این بخش، رابطهٔ عهدی خود را با قوم خویش پایان می‌دهد، زیرا آنان را به‌طور مستقیم «قوم من!» می‌خواند. چون مسیح را رد کردند و شریعت او را از یاد برده‌اند، برای خدا کاهن نخواهند بود. هنگامی که قوم خدا به عهد با خدا داخل می‌شوند، او ایشان را کاهنان و پادشاهان می‌گرداند. وقتی خدا با اسرائیل باستان وارد عهد شد، به واسطهٔ موسی چنین فرمود:

Ahora, pues, si de veras obedecéis mi voz y guardáis mi pacto, vosotros seréis mi especial tesoro sobre todos los pueblos; porque mía es toda la tierra. Y vosotros me seréis un reino de sacerdotes y una nación santa. Estas son las palabras que hablarás a los hijos de Israel. Éxodo 19:5, 6

خداوند هنگامی که با کلیسای مسیحی عهد بست، از طریق پطرس اعلام فرمود:

لیکن تم ایک برگزیده نسل، شاہی کہانت، مقدس قوم، اور خدا کی خاص ملکیت ہو، تاکہ تم اُس کی فضیلتیں ظاہر کرو جس نے تمہیں تاریکی میں سے اپنی عجیب روشنی میں بلایا ہے؛ تم جو پہلے قوم نہ تھے، مگر اب خدا کی قوم ہو؛ اور جن پر پہلے رحم نہ ہوا تھا، مگر اب تم پر رحم ہوا ہے۔ 1 Peter 2:9, 10.

پیتر در این آیات به انتقال از اسرائیل باستان، به‌عنوان قوم برگزیدهٔ عهدی خدا، به کلیسای مسیحی می‌پردازد، آن‌گاه که می‌گوید: «در زمان گذشته قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید.» هنگامی که یهودیان خود را از خدا جدا ساختند، خداوند با کلیسای مسیحی وارد عهد شد. هر دو، مادامی که با خداوند در پیوند زناشویی بودند، به‌عنوان امت‌هایی از کاهنان شمرده می‌شدند.

رد شدن به‌عنوان کاهن دلالت بر آن دارد که زمانی قومی در عهد بوده‌اید. ادونتیست‌های روز هفتم در آغاز تاریخ ادونتیسم با خداوند وارد عهد شدند. کلیسا در بیابان از دل نهضت اصلاحات بیرون آمد،

اما پیام میلریتی را رد کرد، و بدین‌سان در جریان تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم، خود را از خدا مطلقه ساخت. جدایی نهایی با فرارسیدن فرشته دوم واقع شد، و اعلام این بود که آنان دیگر دختر مسیح نیستند، بلکه دختر بابل شده‌اند. بلافاصله پس از آن، در خلال ندای نیمه‌شب، خدا عروس جدید خود را به ازدواج عهد فراخواند.

دو لوحی که برای اسرائیل باستان نماد عهد بودند، همان دو لوح ده فرمان بودند؛ و دو لوح برای اسرائیل روحانی معاصر، دو لوح حقوق‌اند، آن‌گونه که در نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ بازنمایی شده‌اند. قوم عهد که الهام بارها آنان را لائودکیه معرفی کرده است، طریق‌های قدیم را رد کردند، از شنیدن آوازی که از پشت سرشان بود سر باز زدند، و از این‌رو تاریخ پایانی اسرائیل باستان را تکرار می‌کنند، آنگاه که از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند. چرا این امر بر کسانی واقع می‌شود که او ایشان را «قوم من» می‌خواند؟

مَثَلُ الْعَذَارَى الْعَشْرِ، الَّذِي يُصَوِّرُ اخْتِبَارَ الْأَدْفَنْتِيَّةِ، قَدْ تَمَّ وَتَمَّ تَحْقِيقُهُ مَرَّتَيْنِ: مَرَّةً فِي بَدَايَةِ الْأَدْفَنْتِيَّةِ، ثُمَّ مَرَّةً أُخْرَى عِنْدَ نَهَائِهَا. وَتَعْلِمُ الْأَخْتُ وَآيَتُ أَنْ هَذَا الْمَثَلُ قَدْ تَحَقَّقَ وَسَيَتَحَقَّقُ حَرْفِيًّا إِلَى أَدَقِّ التَّفَاصِيلِ، وَأَنَّهُ يَنْبَغِي أَيْضًا أَنْ يَفْهَمَ دَائِمًا بِوَصْفِهِ حَقًّا حَاضِرًا، كَمَا هُوَ الْحَالُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الثَّلَاثِ.

«بارها مرا به مَثَل ده باکره ارجاع داده‌اند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مَثَل تا به آخرین جزء خود تحقق یافته است و خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و، همانند پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.»
Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

ادونتیسم میلری در فاصله میان پیش‌بینی نافرجام آنان برای سال ۱۸۴۳ و پیش‌بینی درست ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، انتظار مَثَل را به تحقق رسانید. جزئیات نبوی این تاریخ بسیار و مهم‌اند، اما من صرفاً می‌خواهم مشخص سازم که مَثَل ده باکره، چنان‌که خواهر وایت همین‌اکنون بیان کرد، به‌طور مستقیم با فرشته سوم مرتبط است.

از سال ۱۷۹۸ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، پیام فرشته اول گشایش داوری را اعلام می‌کرد. درست پیش از آنکه داوری آغاز شود، ندای نیمه‌شب مَثَل ده باکره تحقق یافت. بنابراین، هنگامی که فرشته سوم پایان داوری را اعلام می‌کند، اعلام ندای نیمه‌شب بار دیگر تکرار خواهد شد.

تشخیص اینکه کلیساهای پروتستان پیام خدا را رد کرده‌اند و بدین‌سان دختران بابل شده‌اند، همان فرارسیدن پیام فرشته دوم و آغاز زمان درنگ در مَثَلی بود که «به دقیق‌ترین وجه» در حال تحقق بود. خداوند در سال ۱۸۴۳ بازنگشت؛ او درنگ کرد تا باکره‌ها را بیازماید و برکت دهد. اعلام فرشته دوم که کلیساهای پروتستان را به‌عنوان دختران بابل معرفی می‌کرد، دعوتی بود برای آنان که هنوز در آن کلیساهای ساقط بودند تا از آنها بیرون آیند و با میلریت‌ها و فهم ایشان از نبوت‌ها هم‌موضع شوند. در اردوی اجتماع اکستر، ساموئل اسنو شواهد لازم را برای تأیید آمدن خداوند در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فراهم ساخت، و پیام فریاد نیمه‌شب چون موجی خروشان سراسر سرزمین را درنوردید. سپس فرشته سوم در نومییدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید.

این خلاصه‌ای کوتاه از تاریخی آغازین بود که در آن، بسیاری از نکات را فرو گذاشته‌ام تا چند نکته را که به نظر می‌رسد با آنچه بدان می‌پردازیم مرتبط‌تر است، برجسته سازم.
در مقاله بعدی این مطالب را ادامه خواهیم داد.